

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

برخی از بزرگانی که نظر شریف شان این است: «ابداء وجه و کفین جایز نیست» اینها علاوه بر این که آیه شریفه مورد بحث را به همان نحوی که مدعای آنها ثابت بشود تفسیر کردند (و ما مفصل بیان کردیم و مورد مناقشه قرار دادیم) علاوه ی بر قرآن به پاره ی از روایات هم استدلال کرده اند.

یکی از آن روایاتی که آنها به آن استدلال نموده بودند صحیحه فضیل بود، که بحث مفصل از آن گذشت. با ذکر برخی از روایات دیگری را که این آقایان به آنها استدلال کرده اند و شاید بعضی از این روایات در السنه هم معروف است ببینیم که آیا اینها دلالت بر این مدعا دارد یا خیر؟

روایات دال بر عدم جواز ابداء وجه و کفین

در یکی از این روایات تعبیر شده است: «المرأة كلها عورة» هم روایات بر این معنا دلالت دارد، هم فاضل مقداد در کتاب کنزل العرفان تعبیر کرده است که اطباق و اتفاق فقهاء بر این است که «المرأة كلها عورة».^[1]

روایت دیگر که در کافی (جلد 5، صفحه 535) آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)، قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): لَا تَبْدُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ، وَلَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ؛ فَإِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) قَالَ: النِّسَاءُ عِيٌّ وَعَوْرَةٌ، فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ، وَاسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبَيُوتِ».^[2]

یعنی پیامبر فرمودند: «النساء عی و عورة» در لغت هم عی آمده است، هم عی آمده است «فداوا عیهن بالسکوت» عی اینها را به سکوت مداوا کنید «و استروا عوراتهن بالبیوت» و عوراتشان را به بیوت.

حالا مقصود از عی یا عی چیست؟ در لغت وقتی به حرف «ع» مراجعه بفرمایید آخرین کلمه ی که مفصل هم لسان العرب و هم کتب دیگر لغوی نوشته اند همین کلمه «عی» است.

در لغت می‌گوید عی یعنی دردی که لا بیرء منه، الداء العیا یعنی الذی لا دواء له. جوهری می‌گوید داع عیا، ای صعب النساء. مخصوصاً با توجه به این که «فداؤوا عیهن بالسکوت» دلالت بر این دارد که خیلی نباید اینها حرف بزنند مثلاً، بالسکوت یعنی خیلی اجازه تکلم و صحبت به اینها داده نشود، ساکت باشند. اگر حرفی بزنند حرف زدنشان مثلاً موجب فتنه می‌شود، حالا چه در امور شهوانی و چه در امور غیر شهوانی .

در بعضی از تعبیر هم استفاده می‌شود این عی و عوره را عطف تفسیری گرفته‌اند اما عطف تفسیری آن با ذیل روایت که می‌گوید: «فداؤوا عیهن بالسکوت و استروا عوراتهن بالبیوت» سازگاری ندارد. عوراتشان را با بیوت مستور کنید، «عی» شان را با سکوت مداوا کنید، نه اینکه سکوت خود رجال، سکوت خود زنها، صحبت نکردن آنها .

معنای «عورت» در لغت

اما «عورت» در لغت به این تعبیر آمده است : «القبل و الدبر، سمیت السوءة عورة لقبیح النظر الیها و کل شیء ستره الانسان» عورت یعنی آن چیزی که انسان او را می‌پوشاند و استحیا می‌کند از این که دیگری او را ببیند.

در يك عبارتی دارد «اراد بالعورة کل ما یستحی منه و یسوء صاحبه» آنچه که از او استحیا می‌شود و موجب بدی صاحب آن است، یعنی آن کسی که عورت را دارد. البته گاهی اوقات عورت در عرف به معنای عیب هم تطبیق می‌کند.

پس نتیجه این شد: عورت یعنی آن چیزی که مستور می‌شود که دیگران نبینند و آن شخص حیا می‌کند از اینکه دیگران او را ببینند. مصداق روشن آن قبل و دبر هست مصداق دیگر هم دارد.

در این روایتی که دارد «المرأة عی و عورة» آنطوری که مجمع البحرین معنا کرده است، می‌فرماید: «جعلها نفسها عورة» یعنی زن خودش را عورت قرار بدهد «لأنها اذا ظهرت یستحی منها کما یستحی من العورة» وقتی که ظاهر بشود استحیا می‌شود از او، همانطوری که از عورت «اذا ظهرت» از عورت وقتی که ظاهر می‌شود چطور دیگران حیا می‌کنند و حتی نگاه نمی‌کنند، زن هم خودش را عورت قرار بدهد.

استمداد صاحب اسداء الرغاب از روایت جهت اثبات مدعا

صاحب کتاب اسداء الرغاب که از طرفداران پر و پا قرص وجوب ستر وجه و کفین هست، می‌گوید: که در استدلال به این روایت سه نکته وجود دارد: نکته اول این است که در این روایت پیامبر زنها را توصیف کرده است باینکه تمامشان عنوان «عورت» را دارند، یعنی خیال نشود که عورت اختصاص به موضع متعارف دارد «النساء عی و عورة» بعد ایشان فرموده «فان العورة فی اللغة ما یحق ستره و یستحی منه اذا ظهر» آئی که پوشاندش سزاوار است و اگر آشکار بشود دیگران حیا می‌کنند از دیدن آن «فهذا دلیل کاف فی وجوب الستر علیهن و حرمة النظر الیهن».

این که در این روایات از زن تعبیر به عورت شده، ایشان می‌فرمایند: دو طرف از این استفاده می‌شود، هم عورت همانی است که انسان خودش باید ببوشاند، دیگری هم حق نگاه کردن به او را ندارد، عورت این جهت را دارد، هم خود انسان باید ببوشاند، هم دیگری هم حق نظر کردن به او را ندارد.

نکته دوم : در ذیل روایت که مخاطب رجال هستند «فداؤوا عیهن بالسکوت و استروا عوراتهن بالبیوت» امر کرده به رجال که زنها را در خانه نگهدارند. تعبیر ایشان این است که از این قسمت که می‌گوید زنها را در خانه نگهدارند «عی» شان را با سکوت

مداوا کنند، استفاده می‌شود پس «عورت» حتی وجه و کفین را هم شامل می‌شود؛ وقتی می‌گویید اینها در خانه باشند و از خانه نیایند بیرون، یا صحبت نکنند تمام اعضاء بدن زن حتی وجه و کفین را شامل می‌شود.

نکته سوم: گفته است این مطلب که زن «النساء كلها عورة» در زمان پیامبر در نزد صحابه يك امر معلومی بوده و پیامبر هم این کار را تقریر فرموده است. اما پیامبر قانع به این مطلب نشده بلکه خواستند بفرمایند: «المرأة اقرب ما يكون الى الله اذا لزمتم قعر بيتها و لم تخرج من دارها اصلاً» یعنی در زمان پیامبر این که زن تمام بدنش عنوان عورت بوده این روشن بوده و همه وجه و کفین و سائر اندام را هم می‌پوشانده، اما پیامبر يك مرتبه بالاتر از این هم فرموده‌اند، فرموده‌اند: بهترین حالات برای قرب به خدا این است که در بیوت باشند و حتی مع التستر و پوشیدن جلباب هم بیرون نیایند که اجانب حتی به این زن که کاملاً خودش را پوشانده نگاه نکند پس صاحب اسداء الرغاب این سه مطلب را جهت تمسك به این روایت دارد.

نقد حضرت استاد به فرمایش صاحب اسداء الرغاب

آیا استدلال به این روایت درست است یا نه؟! چون این تعبیر در کلمات فقهاء و متشرعه زیاد هم رایج است آقایان خوب دقت فرمایند، ببینند که استدلال تا چه حدی درست است و آیا واقعاً این روایت می‌تواند مدعای صاحب اسداء الرغاب را اثبات بکند یا نه؟

راجع به استدلال ایشان ما چند مطلب داریم:

مطلب اول: این است که «عورة» در این روایت استعاره آورده شده و يك معنای موسعی از آن اراده شده است. قبل و دبر را از جهت لغت می‌گویند «عورت» معنای اصلی عورت همان سوئیتین است. همین که در قرآن هم دارد «سوآتهما» این معنای عورت است. و در طول زمان لفظ «عورت» استعاره آورده شده است برای هر چیزی که پوشیده می‌شود، هر چیزی که پوشیده می‌شود و دیگران حیا می‌کنند که نگاه به او بکنند ازش تعبیر به عورت می‌کنند.

در روایات دارد: «عورة المؤمن على المؤمن حرام» در يك روایتی از امام صادق (ع) همین را تفسیر فرموده حضرت، «عورة المؤمن على المؤمن حرام» معنایش این است که اگر يك مؤمنی يك لغزشی کرد، شما متوجه لغزش او شدید بعد این لغزش را در پیش خودتان حفظ کنید که يك وقتی که می‌خواهید او را از بین ببرید او را افشاء بکنید این می‌شود عورت.

روایت را دقت بفرمایید! در این روایت دارد: «عَنْهُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ ابْنِ سَنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع شَيْءٌ يَقُولُهُ النَّاسُ عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ يَذْهَبُونَ إِنَّمَا عُنِيَ عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَزِلَّ زَلَّةً أَوْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ يُعَابُ عَلَيْهِ فَيَحْفَظَ عَلَيْهِ لِيُعْبَرَ بِهِ يَوْمًا مَا»^[3]

امام صادق در توضیح «عورة المؤمن على المؤمن حرام» می‌فرماید: دارند: اینکه يك حرفی زده که برای او عیب است، یا يك لغزشی که عیب محسوب می‌شود، این را نگهدارد تا يك روزی این عیب را متوجه او بکند.

پس عورت این چنین است، نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این است که در معنای وسیع عورت بحث جسم فقط مطرح نیست، در این روایت می‌گوید: «او يتكلم بشيء» یعنی گاهی اوقات يك حرفی که انسان می‌زند این می‌شود عورت. یعنی يك حرفی است که این حرف انسان دلش می‌خواهد مستور بماند، خودش می‌خواهد کسی این حرف را نفهمد اما دیگری اگر آمد این را افشاء کرد این می‌شود افشاء عورت، این می‌شود كشف العروة، اختصاص به بدن فقط ندارد، در این روایت که می‌گوید: «المرأة عی و عورة» این معنایش يك معنای بسیار بسیار موسعی است.

وقتی معنای موسع شد یعنی حتی در حرف زدن، حرف نزنند از خانه بیرون نرود، «و استروا عوراتهن بالبیوت» این از خانه هم بیرون نرود و در خانه باشد، نتیجه این می‌شود که پیامبر در این روایت در مقام بیان يك حکم فقهی نیست؛ برای اینکه ما می‌دانیم اصل صحبت کردن زن جایز است. حالا بعضی‌ها می‌گویند به مقدار ضرورت، بعضی‌ها می‌گویند اگر بصورت متعارف حرف بزنند، کثیری از فقهاء این را می‌گویند استماع صدای اجنبیه جایز است. حالا پیامبر می‌خواهند بفرمایند زن اینقدر باید خودش را حفظ بکند.

تعبیر مجمع البیان از «عورت»

این که مجمع البیان هم گفته این نکته بسیار خوبی است «المرأة عی و عورة یعنی جعلها نفسها عورة» نه این که شارع از نظر فقهی او را عورت قرار داده است؛ جعلها نفسها خودش را بعنوان عورت قرار بدهد یعنی همانطوری که عورت را مستور نگه میدارد این هم تمام وجود خودش را مستور نگهدارد.

این «جعلها نفسها» معنای بسیار خوبی است که حالا من در غیر از کتاب مجمع البیان هم ندیدم این مطلب را. يك وقت می‌گوییم شارع جعل المرأة عورة، اینجا می‌توانیم بگوییم در مقام حکم فقهی است اما وقتی می‌گوییم شارع در مقام بیان حکم فقهی نیست، «المرأة عی و عورة» یعنی «جعلها نفسها عورة» این ظهور روشنی دارد که حکم فقهی ندارد.

حالا اگر کسی این حرف مجمع البیان را هم بگذارد کنار می‌گوییم ذیل روایت که دارد «و استروا عوراتهن بالبیوت» اگر ما بخواهیم به ظاهر این روایت عمل کنیم، ذیل روایت امر می‌کند به این که زن از خانه خارج نشود «واستروا عوراتهن بالبیوت» در حالی که یقین داریم یا با آن زن یا آنجایی که زنی هست و زوجی ندارد، یقین داریم که اصل خارج شدنش از خانه اشکالی ندارد، حالا منتها باید خودش را کاملاً بپوشاند این «و استروا عوراتهن بالبیوت» این قرینه خیلی خوبی است بر این که آن عی و عورة در مقام بیان يك حکم فقهی نیست.

جمع بندی بحث

پس ما دقیقتر اگر بخواهیم جمع بندی بکنیم سه نکته در اینجا وجود دارد: نکته اول این است که «عورة» مخصوص قُبَل و دُبُر هست، بعداً در استعمالات توسعه داده شده است، سائر اندام بدن هم گرفته شده است، حتی اگر انسان در بدنش یک عیبی است، اگر در بدن انسان یک عیبی وجود داشته باشد که انسان نخواهد آن عیب روشن بشود، می‌خواهد آن عیب مستور بماند و اگر روشن بشود يعاب علیه يك عیبی است برای او این هم می‌شود عورت. از جسم و بدن هم فراتر استعمال می‌شود در حرفی که انسان می‌زند، گاهی این حرف عنوان عورت را دارد. گاهی يك فعلی که انسان انجام می‌دهد عنوان عورت را دارد، در نتیجه در این روایت معلوم نیست که این «عورة و عی» را در خصوص بدن زن فقط استعمال کرده باشد، يك معنای خیلی موسع‌تری هم شاید داشته باشد.

به عبارت اخری گاهی در کتب فقهی عورة را به قُبَل و دُبُر می‌گویند که غالباً همینطور است، گاهی برای زینت باطنی هم می‌گویند. گاهی اوقات تمام بدن زن حتی اندام زن، اگر زن خودش را با چادر بسیار زخیمی هم پوشانده باشد بطوری که بدن او هیچ حکایتی از بدن نکند این هم باز عنوان عورت را دارد.

باز می‌گوییم زن این چنینی «عورة» این زن به این نحو عنوان عورت را دارد. وقتی عورت دارای معانی و مصادیق متعدد شد، بعضی از مصادیق او واجب است، بعضی هایش حرام است و بعضی از مصادیقش هم مستحب است، اینها مصادیق متعدد پیدا می‌کند.

نکته دوم: «المرأة عی یعنی جعلها نفسها عی و عورة» نه این که شارع تمام وجود او را عی و عورت قرار داده است.

نکته سوم: هم این شد که ذیل روایت یقین داریم به این که خروج زن از خانه بصورت محجبه کامل همه می‌گویند جایز است، آن وقت «و استرو عوراتهن بالبیوت» معلوم می‌شود يك حکم استحبابی است؛ اگر حکم استحبابی شد صدر روایت هم که دارد «عی و عورة»، معلوم می‌شود که پیامبر يك حکم استحبابی را می‌خواهد بگوید.

و در نتیجه طبق همان حرف معروفی که بهترین حالات برای یک زن این است که نه او مردی را ببیند و نه مردی او را ببیند، و به تعبیر دیگر اقرب زمانی که می‌تواند به خداوند نزدیک بشود این است که فی قعر البیوت باشد، روایت این را می‌خواهد بگوید، هیچ وقت روایت دلالت بر این ندارد که بخواهد بگوید همه بدنش عورة، یعنی روایت دلالت ندارد همانطوری که ستر قبل و دُبرش واجب است ستر وجه و کفین او هم واجب است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] □ قيل المراد بالظاهرة الثياب فقط و هو الأصحّ عندي لإطباق الفقهاء على أنّ بدن المرأة كلّها عورة إلّا على الزوج و المحارم، فعلى هذا المراد بالباطنة الخلخال و السوار و القرط، و جميع ما هو مباشر للبدن و يستلزم نظره نظر البدن. (كنز العرفان في فقه القرآن، ج2، ص: 222)

[2] □ الكافي (ط - دار الحديث)، ج11، ص: 226 ح1.

[3] □ تهذيب الأحكام، ج1، ص: 375 ح10.